

سازوکارهای نظارت بر بازداشتگاه‌ها و زندان‌ها در پرتو اسناد بین‌المللی و حقوق کیفری تطبیقی

مهدی غلامپور^۱، محمد فرجیها^{۲*}، محمود صابر^۳، محمد جعفر حبیب‌زاده^۴

۱. دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، دانشگاه تربیت مدرس،

تهران، ایران

۲. دانشیار حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

۳. استادیار حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

۴. استاد حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

دریافت: ۱۳۹۷/۰۴/۲۰

پذیرش: ۱۳۹۷/۰۹/۱۷

چکیده

طبیعت نوعاً پوشیده و دور از دید عموم زندان و بازداشتگاه از سویی و در نگاه مقامات این مکان‌ها، بی (یا دست‌کم، کم) اهمیتی افرادی که در آنها نگهداری می‌شوند؛ موجب گونه‌ای احساس مصونیت و ناپاسخگویی است که حقوق ابتدایی محبوسین را در معرض خطری گاه غیرقابل جبران قرار می‌دهد. نبود سازوکاری مستقل و واقعی برای نظارت و بازرسی از بازداشتگاه و زندان و رسیدگی به شکایات محبوسین، به توسعه گرایش طبیعی این محیط‌ها به ماندن در وضعیت ناشناختگی^۱ و ابهام، و پرهیز از شفافیت می‌انجامد. برعکس، سعی در ایجاد شفافیت و پاسخگو نمودن مقامات زندان از مجرای نظارت و بازرسی‌های منظم و مستقل بر طرز سلوک آنها با افراد دربند و رسیدگی منصفانه به شکایت‌های آنها، هم‌سو با

Email: mohammadfarajiha@gmail.com

* نویسنده مسؤول مقاله:

اهداف در نظر گرفته شده برای مجازات حبس یا قرار بازداشت موقت، ریسک سوءاستفاده از قدرت در این محیط‌ها، توسل به زور در آنها، بی‌توجهی به دادخواهی بازداشت‌شدگان و زندانیان، احساس مصونیت و بی‌کیفرمانی ناشی از آن را کاسته و حقوق بنیادین افراد بازداشت‌شده یا زندانی را از تضمینی قوی‌تر برخوردار می‌سازد.

مقاله پیش‌رو، با بهره‌گیری از ادبیات موجود در بحث‌های نظارت و بازرسی از بازداشتگاه و زندان، ضمن نمایاندن استانداردهای بین‌المللی موجود در این موارد می‌کوشد با تحلیل اسناد و مدارک و گفتمان رسمی موجود در این زمینه، به این پرسش پاسخ دهد که سازوکارهای نظارت بر بازداشتگاه و زندان از چه ویژگی‌هایی برخوردارند.

در نظام عدالت کیفری ایران به رغم تلاش‌هایی برای نظارت‌پذیر کردن محیط‌های حبس، بیشتر اقدامات در سطحی از نظارت درون سیستمی باقی مانده است که آن نیز در عمل، به صورت موردی/واکنشی و نه دائمی/کنشی و منظم، نوعاً پس از رسانه‌ای شدن وقوع اتفاقی در این محیط‌ها، در پاسخ به افکار عمومی و با طی تشریفات متعدد و اعمال بیشترین سطح از محدودیت صورت پذیرفته است. وجود برخی بازداشتگاه‌های خارج از نظارت سازمان زندان‌ها دست‌کم در برهه‌هایی از زمان، عدم پذیرش نظام نظارت مستقل بر بازداشتگاه و زندان‌ها و ایجاد چالش‌هایی در مسیر اعمال نظارت‌های موردی خارج از نظام قضایی، سازوکارهای نظارت بر این محیط‌ها را فاقد اثر بخشی لازم کرده است.

واژگان کلیدی: ساز و کار نظارت، بازرسی، دادخواهی، بازداشتگاه، زندان.

۱. مقدمه

مقامات زندان در سراسر جهان تحت فشارهای فزاینده اجتماعی و قانونی برای معرفی رژیم‌های سختگیرانه‌تری از زندان هستند که محدودیت‌های جدید و شرایط امنیتی شدیدتری را بر زندانیان تحمیل کند. حتی رژیم‌های به‌طور سنتی لیبرال و باز اروپایی نیز در سال‌های اخیر، ابزارهایی را برای معرفی رژیم‌های سخت‌تر و در



مواردی سزاگراتر از زندان در پاسخ به برنامه فراگیر قانون و نظم به کار بسته‌اند. جنگ با تروریسم نیز مشروعیتی را برای برخی کشورها در راستای سرکوب و فشار بیشتر بر زندانیان فراهم آورده است که نه تنها محکومین و متهمین به تروریسم را تحت تأثیر قرار داده است که بر کل جمعیت زندان سایه افکنده است. در این ساختار اجتماعی، مسئولین اداره زندان‌ها حالا با این وظیفه دشوارتر مواجه هستند که استانداردهای قانونی در مورد حبس را تضمین کنند (Ziger, 2006, p.127). مسأله نظارت و بازرسی از زندان از سوی دیگر از آن جهت اهمیت پیدا می‌کند که حکومت می‌تواند در زندان، آزادیِ شخص و وقت زندانی را در اختیار داشته باشد. می‌تواند زمان خواب و بیداری، زمان فعالیت و استراحت، نوبت‌ها و مدت غذا خوردن، کیفیت و جیره‌ی غذاها، ماهیت و فرآورده کار، زمان نیایش، استفاده از گفتار، و حتی استفاده از اندیشه را برای انسان تنظیم کند (فوکو، ۱۳۸۸، ص ۲۸۲). وقتی حکومت، اقتداری استثنایی بر شهروندان خود دارد احتمال سوءاستفاده از قدرت بالا است و حمایت از حق‌های بنیادین باید دغدغه اصلی کسانی باشد که اجازه چنین قدرتی به آنها داده شده و به آنها اعتماد شده است (Ibid, p. 128). برعکس هرکجا دولت این قدرت مطلق را از دست داده باشد علت آن نظریه حقوق بشر بوده است (راسل، ۱۳۹۰، ص ۱۹۵). مارتینوویچ، وجود سه عنصر را برای یک نظارت مؤثر بر زندان‌ها شرط می‌داند. به نظر او چنین نظارتی باید دارای سه کارکرد پیشگیرانه^۱، اصلاحی^۲ و بازبینی شکایات شخصی^۳ باشد. به باور او یک رژیم بازرسی آنگاه پیشگیرانه است که مانع از نقض حقوق زندانیان در زندان شود. همچنین، کارکرد اصلاحی در نظر او به معنای اختیارِ اعضای بازدیدکننده محیط‌های حبس در انتشار گزارش یافته‌های خود و انجام توصیه‌هایی برای بهبود اعمالی است که به مثابه نقض

۱. Preventive function

۲. Improvement function

۳. Individual complaints review function

استانداردهای حقوق بشری و یا در سطح ملی، نقض قانون حاکم بر مدیریت زندان شناخته شده است. انتشار گزارش‌ها نباید دستخوش کنترل دولتی قرار گیرد و سازوکار پیگیری باید وجود داشته باشد تا کاربست اثربخش توصیه‌ها را تضمین نماید؛ و دست آخر، کارکرد بازبینی شکایات شخصی برای یک سیستم نظارت خارجی بدین معنا است که این سیستم باید دربرگیرنده یک سازوکار به آسانی در دسترس، برای بازبینی شکایات شخصی مطرح‌شده از سوی زندانیان باشد. دسترسی به دادگاه‌ها، یعنی فرایند زمانبری که اغلب با پیچیدگی‌ها و هزینه بالای خود محدود شده است، نمی‌تواند در این مورد کارآمد باشد (Martynowicz, 2011, p. 86). این مقاله سعی می‌کند با بهره‌گیری از همین چهارچوب نظری، نظام نظارت بر زندان‌ها و بازداشتگاه‌ها در نظام عدالت کیفری ایران را در پرتو ویژگی‌های نظارت رسمی بر بازداشتگاه‌ها، منظم بودن نظارت و بازرسی، مستقل بودن آن و امکان ملاقات با بازرسان و دادخواهی محبوسین از شرایط حبس، مورد ارزیابی قرار دهد.

۲. نظارت رسمی بر بازداشتگاه‌ها و مکان‌های سالب آزادی

سلب آزادی افراد هرچند که اصولاً به موجب حکم دادگاه یا تصمیم دادرسی صورت می‌پذیرد اما باید در محیطی آغاز، ادامه و پایان یابد که همواره قابل نظارت و بازرسی باشد. نظارت‌پذیر بودن محیط‌های حبس که لازمه پاسخگویی مسئولان و اداره‌کنندگان این محیط‌ها است؛ خود مستلزم این موضوع است که مرجع تشکیل و اداره آنها به موجب قانون مشخص باشد. در عمل امکان پاسخگویی از نحوه اداره محیط حبس و طرز برخورد با افراد گرفتارآمده در آنها، در موردی مصداق پیدا می‌کند که به تعبیری آن محیط شناسنامه‌دار باشد. تأسیس و اداره مخفیانه و خارج از چهارچوب قانونی زندان یا بازداشتگاه و نگهداری افراد در آنها، امکان نظارت بر آنها را منتفی می‌سازد. نبود نظارت سازمان زندان‌ها بر این محیط‌ها نیز به نوبه خود،



مسأله شفافیت در نحوه رفتار با افراد نگه داشته شده در آنها و پاسخگویی اداره-کندگان خارج از قانون آن را سالبه به انتفاع موضوع می‌سازد.

نظام عدالت کیفری در ایران دست‌کم در برهه‌هایی از زمان با وجود بازداشتگاه-هایی خارج از چهارچوب قانون بیگانه نبوده است. هرچند پاسخ ابتدایی و غالب کنش-گران رسمی عدالت کیفری ایران در ارتباط با وجود بازداشتگاه‌های غیرقانونی را می‌توان در قالب گفتمان عدم پذیرش تحلیل کرد. به عنوان نمونه نخست می‌توان به مصاحبه رئیس وقت سازمان قضایی نیروهای مسلح^۱ اشاره کرد. «وی در پاسخ به سؤالی در خصوص بازداشتگاه‌های غیرقانونی در کشور گفت: در حال حاضر کلیه بازداشتگاه‌های کشور تحت نظارت سازمان زندان‌هاست و مدیر آنها با حکم رئیس این سازمان منصوب می‌شوند؛ بنابراین وجود بازداشتگاه‌های غیرقانونی در کشور منتفی است^۲». این در حالی است که چند ماه بعد یکی از نمایندگان مجلس^۳ در مصاحبه‌ای بیان داشت: «مهمترین بازداشتگاه‌هایی که به فعالیت‌های مخفیانه آنها خاتمه داده شده بازداشتگاه توحید، متعلق به وزارت اطلاعات و (بازداشتگاه شماره) ۵۹ سپاه، معروف به عشرت‌آباد است». علاوه بر دو بازداشتگاه مذکور، در این مصاحبه به زندان حشمتیه در چهارراه قصر اشاره می‌شود که در اختیار ارتش بوده و سازمان زندان‌ها نظارتی بر آن نداشته است. این نماینده در مصاحبه مذکور بیان می‌دارد: «سال‌ها بود که به نظر می‌رسید نقاطی در تهران وجود دارند که کسی از وجود آنها و فعالیت‌های مخفی‌شان خبر ندارد و تنها به‌طور ناگهانی اخباری از آنها به بیرون درز می‌کند. به عبارتی به نظر می‌رسید دستگاه‌هایی برای رسیدن به مقاصدشان به خود اجازه داده‌اند بازداشتگاه‌های غیرقانونی ایجادکنند^۴». این نماینده

۱. حجت‌الاسلام محمد نیازی

۲. خبرگزاری ایسنا، ۱۳۸۰/۲/۲۱. کد خبر: ۸۰۰۲-۰۴۰۸۳

۳. سید علی اکبر موسوی خویینی

۴. روزنامه ایران. ۱۳۸۱/۸/۲۷. نگاهی به روند تعطیلی بازداشتگاه‌های خارج از نظارت سازمان زندان‌ها.

مجلس در پاسخ به سؤالی مبنی بر وجود بازداشتگاه‌های اختصاصی دیگر گفت: «با توجه به اقدام وزارت اطلاعات و سپاه پاسداران در تعطیلی بازداشتگاه اختصاصی خود و نگهداری متهمین در اوین امیدواریم که ظرف ماه‌های آینده معدودی از بازداشتگاه‌های حفاظت اطلاعات وزارت دفاع، بازداشتگاه حفاظت اطلاعات نیروی انتظامی، بازداشتگاه حفاظت اطلاعات ارتش که در شهر بوده است را به اوین منتقل کنیم تا ضمن لحاظ تدابیر امنیتی نیروهای مسلح مدیریت و نظارت دائمی بر آنها اعمال گردد».

شاید در پی همین اقدامات بود که مسأله ممنوعیت تأسیس و اداره بازداشتگاه‌های اختصاصی و خارج از نظارت در آیین‌نامه اجرایی سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور (مصوب ۱۳۸۴/۹/۲۰) مورد تصریح قرار گرفت. این آیین‌نامه در ماده ۲۲، تأسیس، احداث و اداره کلیه مراکز حرفه‌آموزی و اشتغال، زندان‌ها، بازداشتگاه‌ها و سایر مؤسسه‌ها و مراکز وابسته به سازمان را به طور انحصاری در اختیار سازمان دانسته و مراجع قضایی، اجرایی، اطلاعاتی، نظامی و انتظامی را از داشتن زندان و بازداشتگاه‌های اختصاصی منع کرده است. پذیرش این نکته که نگهداری متهم در چنین مکانی توجیه قانونی ندارد؛ گامی در راستای مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی^۲ کنش‌گران رسمی عدالت کیفری است. با این حال، از تحلیل محتوای گزارش کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس شورای اسلامی در مورد فوت «ستار بهشتی» که به فرمانده نیروی انتظامی پیشنهاد می‌کند با صدور بخشنامه‌ای و ابلاغ آن به کلیه واحدهای انتظامی، متهمان صرفاً در بازداشتگاه‌های تحت نظارت سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور نگهداری شوند؛ بر می‌آید که هنوز بازداشتگاه‌هایی خارج از نظارت سازمان زندان‌ها وجود دارد. در

۱. عصر ایران. ۱۳۸۱/۷/۲۹. اظهارات سیدعلیاکبر موسویخوینی درباره‌ی وضعیت زندان‌ها و بازداشتگاه‌های تهران.

۲. Accountability



همین گزارش آمده است که تحت‌نظرگاه پلیس فتا، «بازداشتگاه» تلقی نمی‌گردد و نگهداری متهم متوفی در تحت‌نظرگاه پلیس فتای تهران بزرگ توجیه قانونی نداشته^۱، حتی رئیس پلیس فتای تهران بزرگ نیز مراقبت، نظارت و بازرسی از نحوه رفتار مأموران در اختیار با متهم متوفی نداشته است^۲. آنچه از تحلیل سیر این روند که در نهایت منجر به قانونگذاری و به رسمیت شناختن لزوم نظارت یکپارچه بر محیط‌های بازداشتگاه و زندان شده است؛ برمی‌آید مؤید این موضوع است که نظام عدالت کیفری ایران به رغم پذیرش وجود بازداشتگاه‌هایی غیرقانونی و بهره‌گیری از ابزار قانون برای مقابله با آن، در عمل همچنان شاهد نمونه‌هایی از این محیط‌هاست که هر بار پس از وقوع حادثه‌ای ضرورت پیش‌بینی و کاربست سازوکاری اثربخش‌تر را ایجاب می‌کند.

۳. منظم و دوره‌ای بودن نظارت و بازرسی

هم در نظام حقوق بین‌الملل و هم در نظام‌های حقوق داخلی، گام‌هایی در مسیر رؤیت‌پذیرتر کردن محیط‌هایی برداشته شده است که حکومت در آنها آزادی افراد را سلب کرده است. برای نمونه، در نظام حقوق بین‌الملل، بند ۱ از اصل ۲۹ «مجموعه اصول حمایت از کلیه افرادی که تحت هرگونه بازداشت و حبس قرار دارند» بیان می‌دارد: «به منظور نظارت بر رعایت دقیق قوانین و مقررات مرتبط، مکان‌های بازداشت باید به طور منظم مورد بازدید اشخاص صلاحیت‌دار و با تجربه‌ای قرار گیرد...».

۱. هرچند در اینجا هم می‌توان به عنوان نمونه دوم از همان گفتمان غالب کتشرگران رسمی در مورد وجود بازداشتگاه‌های غیرقانونی، به مصاحبه یکی از اعضای وقت کمیسیون امنیت ملی مجلس شورای اسلامی، پس از فوت «ستار بهشتی» در تحت‌نظرگاه پلیس فتا استناد کرد که اعلام داشت: «بعد از ماجرای کهریزک دیگر هیچ بازداشتگاه غیرقانونی نداریم و هرکس چنین ادعایی دارد غلط کرده است». رک: مصاحبه اسماعیل کوثری با خبرگزاری ایلنا در تاریخ ۱۳۹۱/۹/۱۰. کد خبر: ۲۳۷۰۷

۲. مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی، ۱۷ دی ۱۳۹۱، جلسه پنجاه و پنجم، چاپ روزنامه رسمی، ص ۵

نخستین نکته مفهوم بند ۱ مذکور، «منظم بودن» بازدید از مکان‌های بازداشت است. به این معنا که لازم است بازدید از این محیط‌ها در فواصل زمانی معین برای دستیابی به اهدافی صورت پذیرد که از بازرسی و نظارت بر زندان مورد انتظار است. منظم بودن بازدید از این محیط‌ها دربردارنده این مفهوم است که بازدیدها باید به صورت کنشی/دائمی و نه به صورت واکنشی/موردی باشد. بازدیدهای موردی نوعاً پس از وقوع حادثه‌ای در محیط حبس و با طی تشریفات برای کسب اطلاع و کمک به کشف حقیقت صورت می‌پذیرد و تبعاً می‌تواند دستخوش محدودیت‌هایی قرار گیرد. در مقابل، بازدیدهای منظم، به صورت کنشی/دائمی، نه در مقام پاسخگویی به حادثه‌ای، بلکه در راستای اهداف پیشگیرانه معنا می‌یابد.

در نظام عدالت کیفری ایران بعد از انقلاب هم، گام‌هایی در ارتباط با مسأله نظارت بر محیط‌های بازداشتگاه و زندان برداشته شده است. برای نمونه بخشنامه شماره ۱/۸۰/۷۴۸۹ رییس قوه قضاییه به تاریخ ۱۳۸۰/۴/۲۷ با عنوان «لزوم بازدید و نظارت منظم بر اجرای احکام حبس و بازداشت، توجه به مشکلات زندانیان توسط قاضی ناظر زندان و پذیرش وثیقه ملکی یا نقدی متهم» در بردارنده نکاتی در مورد نظارت بر زندان و استماع شکایت زندانیان است. بند اول این بخشنامه مقرر می‌دارد: «به منظور نظارت بهتر بر اجرای احکام حبس، ...، باید ترتیبی داده شود تا برنامه‌های بازدید از زندان، به طور منظم، دوره‌ای و به کیفیتی انجام شوند که قضات از نحوه اجرای احکام، وضع زندانی و مشکل‌های احتمالی، آگاهی یابند و در حدود مقررات به حل و رفع آنها اقدام نمایند». اما تلاشی جدی‌تر در مسیر نظارت بر بازداشتگاه و زندان در نظام عدالت کیفری ایران در همین دوره (بعد از انقلاب)، در «آیین‌نامه اجرایی نحوه ایجاد، اداره و نظارت بر بازداشتگاه‌های انتظامی» مصوب ۱۳۹۱/۱۲/۸ رییس قوه قضاییه متجلی شد. در این آیین‌نامه که اندکی پس از مرگ یک فرد



دستگیرشده در «تحت‌نظرگاه پلیس فتا» به تصویب رسید^۱ نکاتی چند حائز اهمیت است. نوبه‌ای بودنِ «بازدید از بازداشتگاه‌های انتظامی» در ماده ۱۳^۲ آیین‌نامه، مورد تصریح قرار گرفته است. همین‌طور ماده ۱۶ نیز دادستان‌ها و قضات ناظر زندان را موظف دانسته با انجام بازدیدهای نوبه‌ای و نیز غیرمترقبه بر نحوه اداره بازداشتگاه‌های انتظامی و عملکرد ضابطین نظارت کنند.

در گفتمان رسمی مقامات نظام قضایی نیز می‌توان ترجیح نظارت منظم را پی گرفت. برای نمونه دادستان تهران پس از وقوع مرگ‌هایی در زندان‌های ایران پس از حوادث دی‌ماه ۱۳۹۶ در مصاحبه‌ای بیان داشت: «این گونه نباشد که منتظر وقوع حادثه‌ای باشیم و آن‌گاه نظارت‌ها را افزایش دهیم، بلکه با عنایت به هزینه‌هایی که از چنین رخدادهایی بر جمهوری اسلامی وارد می‌شود، لازم است به طور مستمر نظارت بر زندانی‌ها مورد توجه قرار گیرد و زندانبانی به گونه‌ای باشد که در عین نگهداری زندانی، حقوق متهمان زندانی نیز حفظ شود^۳». این گفتمان البته از این جهت که بر منظم بودن نظارت بر زندان‌ها تأکید دارد موافق با استانداردهای قانونی است، اما خود از این جهت که حفظ ارزشی چون پرهیز از هزینه‌تراشی برای نظام را بر حفظ حق حیات زندانیان و بازداشت‌شدگان در اولویت قرار داده است محل تأمل است.

تصویب آیین‌نامه مذکور و تعیین وظایفی برای برخی از مقامات رسمی عدالت کیفری در راستای نظارت بر بازداشتگاه، بازدید از آن و تظلم‌خواهی افرادِ دربند

۱. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی در تیتُر خبر شماره ۸۳۶۶۵۶ مورخ ۱۳۹۱/۱۲/۹ که برای متنِ آیین‌نامه مذکور کار کرده بود بیان داشت: «حادثه مرگ ستار بهشتی تکرار نمی‌شود/ بازجویی از متهمان در بازداشتگاه پلیس ممنوع شد».

۲. ماده ۱۳- مدیرکل زندان‌های استان، معاونین و مسئولان واحدهای حفاظت و اطلاعات، بازرسی و قضایی اداره کل مذکور موظفند به صورت نوبه‌ای و مستمر از بازداشتگاه انتظامی بازدید به عمل آورده و در جهت حسن اداره بازداشتگاه‌های مزبور، تدابیر لازم اتخاذ و در صورت مشاهده نواقص دستور مقتضی صادر نمایند.

۳. پایگاه اطلاع رسانی دادسرای عمومی و انقلاب تهران، ۱۳۹۶/۱۱/۲۹.

اگرچه در جای خود گامی به جلو به شمار می‌رود؛ اما بی‌ایراد هم نمانده است. مسأله اول، دامنه‌ای است که با تصویب این آیین‌نامه پوشش داده می‌شود. به عبارت ساده‌تر همانطور که از عنوان این آیین‌نامه بر می‌آید؛ مقررات آن ناظر بر «بازداشتگاه‌های انتظامی» است که در بند ج ماده ۱ تعریف شده است.^۱ پس، دیگر اقسام بازداشتگاه‌های به رسمیت شناخته شده در نظام حقوقی ایران، همچون بازداشتگاه امنیتی، تحت شمول مقررات این آیین‌نامه قرار نمی‌گیرد. توضیح آنکه در نظام حقوقی ایران دست‌کم چهار گونه بازداشتگاه به موجب آیین‌نامه‌های مختلف مورد شناسایی قرار گرفته‌اند و از وجاهت قانونی برخوردارند^۲ که عبارتند از بازداشتگاه‌های عمومی، موقت، امنیتی و انتظامی. آیین‌نامه مورد بحث در اینجا تنها شامل مقرراتی در ارتباط با بازداشتگاه انتظامی است.^۳

متن لازم‌الاجرا در مورد «بازداشتگاه‌های موقت»^۴، حاوی موادی در ارتباط با نظارت از این بازداشتگاه‌ها، بازدیدهای دوره‌ای از آن و نیز رسیدگی به شکایت افراد گرفتار در آن نیست. در مورد «بازداشتگاه امنیتی»، توجه به موضوع نظارت و دیگر موضوعاتی که در این مقاله مورد توجه است از اهمیت بیشتری برخوردار است. این اهمیت از آن جهت است که احتمال سوءرفتار با متهمانی که در این بازداشتگاه

۱. بازداشتگاه انتظامی، بازداشتگاهی است که در اجرای وظایف ضابطین نیروی انتظامی برابر شرایط و مقررات این آیین‌نامه در اماکن در اختیار نیروی انتظامی ایجاد شده یا می‌گردد.

۲. در بحث پیشین اشاره شد که نظام عدالت کیفری ایران دست‌کم در برهه‌هایی نیز با بازداشتگاه‌هایی که تحت نظارت سازمان زندانها قرار نداشته و اساساً مشخص نبود در برابر چه مقامی پاسخگو بودند بیگانه نبوده است.

۳. نکته جالب‌تر اینجاست که این آیین‌نامه اگرچه در ماده ۱ خود با این وصف که: «بازداشتگاه عمومی محل نگهداری متهمانی است که با قرار کتبی مقام‌های صلاحیت‌دار قضایی تا اتخاذ تصمیم نهایی به آنجا معرفی می‌شوند» به تعریف بازداشتگاه عمومی پرداخته است، در هیچ جا مقررات خود را به این بازداشتگاه تسری نمی‌دهد و معلوم نیست سازوکارهای نظارت، کنترل و رسیدگی به شکایت افراد بازداشت‌شده در این بازداشتگاه به چه صورت است.

۴. آیین‌نامه اجرائی بازداشتگاه‌های موقت مصوب ۱۳۸۵/۸/۳۰ رئیس قوه قضائیه.



نگهداری می‌شوند بیشتر است و نگرانی‌ها در خصوص حفظ حقوقی چون حق حیات و نیازهای پزشکی و بهداشتی این افراد، مستلزم کاربست سازوکارهای نظارتی و کنترل نحوه رفتار مسئولان این بازداشتگاه‌ها نسبت به ساکنان آن است. آن گونه که در ماده ۱ آئین‌نامه اجرایی نحوه اداره بازداشتگاه‌های امنیتی می‌خوانیم این بازداشتگاه محل نگهداری متهمانی است که به لحاظ حساسیت‌های امنیتی و نظامی و با قرار کتبی مقام‌های صلاحیت‌دار قضایی تا اتخاذ تصمیم نهایی به آنجا معرفی می‌شوند و تحت‌نظر سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور اداره خواهد شد.^۱ به موجب ماده ۲ این آیین‌نامه: «علاوه بر قاضی رسیدگی‌کننده به پرونده، دادستان یا نماینده وی مکلفند حداقل هر پانزده روز یکبار از بازداشتگاه‌های مذکور بازدید به عمل آورده و گزارش آنرا به رئیس قوه قضائیه اعلام نمایند». حساسیت مقام تصویب این متن در مورد تأمین حق سلامت متهمان این بازداشتگاه و به طور کلی سایر حق‌های آنان، بازدیدهای دوره‌ای با فاصله ۱۵ روز را موجه می‌سازد و از این رو نباید با بدبینی بر این نظر بود که این ماده به بیان «بازدید» صرف بسنده می‌کند و به خاطر سکوت آیین‌نامه، تکلیف دیگری برای مقامات مذکور در صورت مشاهده موردی از نقض حقوق متهمین امنیتی وجود ندارد. هرچند یک رویکرد انتقادی به این ماده می‌تواند نظر به عدم پیش‌بینی سازوکاری در مورد نحوه ارتباط مقامات قضایی مذکور با افراد بازداشت‌شده، دریافت شکایت‌های احتمالی‌شان از نحوه برخورد مسئولان این بازداشتگاه‌ها با آنها و رسیدگی به آن شکایت‌ها، قائل به آن باشد این ماده چیزی بیش از یک بازدید دوره‌ای را مقرر نمی‌دارد.

در بُعدی فراملی هم گزارشگر ویژه سازمان ملل متحد در مسأله شکنجه، اشاره کرده است که «انجام بازرسی‌های منظم و دوره‌ای، از جمله اقدامات مؤثر جهت

۱. تبصره همین ماده بیان می‌دارد بازداشتگاه‌های امنیتی صرفاً مربوط به متهمین جرائم امنیتی بوده و واحدهای قضایی از اعزام سایر متهمین و محکومین به این بازداشتگاه‌ها خودداری خواهند نمود.

پیشگیری از شکنجه به شمار می‌رود. بازرسی از همه بازداشتگاه‌ها از جمله بازداشتگاه‌های پلیس، مراکز بازداشت پیش از محاکمه، بازداشتگاه‌های ادارات امنیتی، زندان‌ها و محوطه‌های بازداشت اداری باید توسط گروه‌هایی از کارشناسان مستقل انجام گیرد. اعضای این گروه‌ها باید بتوانند به طور خصوصی با بازداشت‌شدگان صحبت کنند و یافته‌های خود را به طور علنی گزارش دهند. با توجه به اهمیت بازرسی منظم از زندان‌های کیفری، کمیته حقوق بشر «نسبت به فقدان سیستم مستقل نظارت ابراز نگرانی کرد؛ چرا که این نظام نظارت می‌تواند به موارد زیر رسیدگی کند: الف) نقض حقوق بشر توسط مأموران پلیس؛ ب) شرایط زندان‌های کیفری از جمله شرایط بزهکاران نوجوان و ج) شکایت نسبت به رفتار خشونت‌بار توسط پرسنل زندان»^۱. بررسی موضوع این نگرانی محتوای بحث بعدی این مقاله را شکل می‌دهد.

۴. مستقل بودن نظارت و بازرسی

به طور کلی نظام‌های عدالت کیفری در سراسر دنیا در موضوع نظارت بر محیط‌های حبس، به سوی یکی از دو گونه نظارت قضایی^۲/درون‌سیستمی یا نظارت غیرقضایی/خارجی/مستقل^۳ گرایش دارند. در حالی که مقامات رسمی عدالت کیفری به واسطه گرایش طبیعی‌شان به ماندن در شرایط ناشناختگی، بیشتر خواهان اعمال نظارت از سوی مراجع قضایی بر این محیط‌ها هستند؛ در مقابل این گونه به نظر می‌رسد که این، بیشتر نظارت غیرقضایی و مستقل است که دفاع از حقوق زندانیان را در پی دارد که خود مستلزم شفافیت در نحوه برخورد مقامات و مسئولان زندان با

۱. دفتر کمیساریای عالی حقوق بشر سازمان ملل متحد با همکاری کانون بین‌المللی وکلا، حقوق بشر در دستگاه قضایی، ترجمه سعید نوری نشاط، کابک خیبری و امین روان‌بد، سازمان دفاع از قربانیان خشونت، جلد اول، چاپ اول، ۱۳۸۸، ص ۵۰۱.

۲. Judicial oversight

۳. Non-judicial/external/independent oversight



زندانیان و پاسخگو کردن آنها است. گفته شده که نظارت خارجی از آن جهت بر سازوکارهای داخلی نظارت بر زندان ترجیح دارد که نوع اخیر پاسخگویی به عموم را فراهم نمی‌آورد؛ بیشتر فرایندهای بازنگری داخلی به گونه‌ای طراحی شده‌اند که به طور محرمانه باقی بمانند. آنها بیشتر در خدمت اهداف و نیازهای مدیریت اطلاعات هستند؛ بدون اینکه برای شفافیت عمومی طراحی شده باشند (Deitch, 2009, p. 1439). قسمت اخیر بند ۱ اصل ۲۹ مجموعه اصول حمایت از کلیه افرادی که تحت هرگونه بازداشت و حبس قرار دارند، مربوط به افرادی است که در نظر تدوین-کنندگان این مجموعه، صلاحیت بازدید از محیط‌های حبس را دارند. تدوین‌کنندگان این مجموعه با این جمله که «مکان‌های بازداشت باید به طور منظم مورد بازدید اشخاص صلاحیت‌دار و با تجربه‌ای قرار گیرد که توسط مراجع صلاحیت‌داری انتخاب شده‌اند که مجزا از مراجعی هستند که به صورت مستقیم مسئولیت اداره مکان بازداشت یا حبس را برعهده دارند»؛ ویژگی «استقلال» بازدیدکنندگان را در ذهن داشته‌اند. در واقع آنها به درستی بر این نکته واقف بوده‌اند که از بازرسان و ناظرانی که منصوب مسئولان بازداشتگاه یا زندان هستند به دلایلی آشکار نمی‌توان انتظار نظارت یا بازرسی مستقلی داشت. برعکس، این ناظران مستقل هستند که بی‌هراس از مقامات زندان یا بازداشتگاه و بدون وابستگی‌های مالی، شغلی یا جز اینها می‌توانند حقایق پیرامون وضعیت این محیط‌ها را به مراجعی که آنان را تعیین کرده‌اند، انعکاس دهند. از همین رو است که بسیاری از کشورها از نهاد ملی مستقلی برای نظارت بر شرایط زندان و اعمال حداقل استاندارد مربوط به سلامت، امنیت و برخورد انسانی با زندانیان برخوردارند. برای نمونه، در کشورهایی که پروتکل اختیاری کنوانسیون مقابله با شکنجه (OPCAT)^۱ را به تصویب رسانده‌اند، نظارت بر زندان‌ها از سوی هیأت نظارتی ملی، به وسیله بازدیدهای دوره‌ای کمیسیون‌های فرعی سازمان ملل در

۱. the Optional Protocol to the Convention Against Torture

زمینه پیشگیری از شکنجه یا مجازات‌ها و رفتارهای ظالمانه، غیرانسانی و تحقیرآمیز تکمیل می‌شود (Fathi, 2010, p.1453). به رسمیت شناختن مسأله استقلال در نظارت بر زندان و بازداشتگاه را در نظام حقوقی انگلستان و ولز نیز می‌توان پی گرفت. در این دو کشور هر زندان یک هیأت نظارت مستقل دارد. اعضای این هیأت استقلال دارند؛ حقوقی دریافت نمی‌کنند و وظیفه آنها کنترل زندگی روزمره در زندان‌های انفرادی و تضمین این موضوع است که استانداردهای مناسب برای مراقبت از زندانیان حفظ می‌شوند. اگر مسأله مهمی در زندان همچون شورش یا مرگ یکی از زندانیان اتفاق بیفتد، با نمایندگان هیأت نظارت ممکن است تماس گرفته شود تا حضور پیدا کرده و روشی را که بتوان وضعیت را مدیریت کرد بسنجند (Behan, & Kirkham, 2016, p. 434). در مقیاسی فراتر و در بُعد منطقه‌ای نیز می‌توان به نقش کمیته اروپایی پیشگیری از شکنجه^۱ (CPT) اشاره کرد.^۲ طبق ماده ۱ «کنوانسیون اروپایی پیشگیری از شکنجه و مجازات‌ها یا رفتارهای غیرانسانی یا خفت‌بار»، «... کمیته از طریق بازدیدهایی که به عمل می‌آورد رفتار با افراد محروم از آزادی را مورد بررسی قرار می‌دهد تا در صورت ضرورت بر حمایت از آنان در مقابل شکنجه و مجازات‌ها یا رفتارهای غیرانسانی و یا خفت‌بار بیفزاید». گزارش‌های کمیته در گذشته به افشای اعمالی از قبیل آویختن از پا، ایراد شوک‌های الکتریکی بر قسمت‌های حساس بدن، مشت زدن، ایراد ضربات با دفترچه‌های راهنمای تلفن بر سر اشخاص، فشارهای روانی، ناسزاگویی، ممانعت از تغذیه، استفاده از دارو، پاره کردن گوش و شکستن بازو پرداخته است (پرادل، کورستنز و فرملن، ۱۳۹۳، ص ۲۵۸).

/ستویکویچ، بر این نظر است که در زندان قرن بیست و یکم، نقش نظارتی، روش جدیدی برای پاسخگو نگه‌داشتن مقامات رسمی زندان است. به تعبیر او، دیگر،

۱. comité européen pour la prévention de la torture

۲. برای آگاهی از برخی از اقدامات صورت گرفته از سوی این کمیته رک: پل کره، ژان، دورنمای اروپایی زندان، ترجمه محمدرضا گودرزی بروجردی و لیلا مقدادی، انتشارات مجد، چاپ اول، ۱۳۸۴، ص ۲۴ تا ۴۲



استعارهٔ «از دل برود هر آنکه از دیده برفت»^۱ هنجار حاکم بر زندان‌ها نخواهد بود. او با پرداختن به تعبیر استعاری قاضی لوبیز برندیسیس که «نور خورشید بهترین ضد عفونی‌کننده است»؛ آن را به مثابه روشنائی حاصل از نظارتی می‌داند که با هدف ایجاد شفافیت، بر فضای تاریک و مایل به ناشناختگی زندان می‌تابد. به نظر او شفافیت، از سویی برای افراد بیرون از زندان، امکان دیدن اعمال اصلاحی^۲ را فراهم می‌آورد و از سوی دیگر مقامات رسمی زندان را مقید می‌سازد (Stojkovic, 2009, p. 1778 & 1480). او در بررسی پیوند میان نظارت بر زندان و اثربخشی آن به بررسی سه موضوع اساسی نظارت بر زندان و ارزش‌های دموکراتیک، نظارت بر زندان و اثربخشی زندان و نظارت بر زندان و انتظارات اجتماعی می‌پردازد و نتیجه می‌گیرد که در قرن بیست و یکم مقامات زندان دیگر از نعمت ناشناس ماندن بهره‌مند نیستند (Stojkovic, 2009, p. 1788).

در این بین وضعیت برخی نظام‌ها از شرایط نظارت قضایی هم نارساتر است. برای مثال، در ایالات متحده، به‌طور سنتی، دادگاه‌های فدرال آخرین پناهگاه زندانیان بوده‌اند و به ویژه از دهه ۱۹۷۰ به مثابه یک گُوه در میان درهای فولادین زندان عمل می‌کردند تا آنها را از یکسره بسته‌ماندن مانع شوند. اما تصویب قانون اصلاح شکایت از زندان^۳ (PLRA) در سال ۱۹۹۶، عمیقاً توان دادگاه‌ها برای ورود به پرونده‌های مرتبط با شرایط زندان را به زوال برد (Deitch, 2012, p.236). با تصویب این قانون، ایالات متحده تبدیل به تنها کشوری در جهان شد که قانونگذاری ملی در آن، بر مجموعه‌ای منحصر به فرد از موانع برای دفاع از حقوق قانونی زندانیان در دادگاه انگشت گذاشت. این قانون، برای مثال، پذیرش دادخواهی زندانیان را موکول به اثبات آسیب‌های بدنی زندانیان کرد. جبران خسارت آسیب‌های روانی برای

۱. *Out of sight, out of mind*

۲. *Correctional operations*

۳. *The Prison Litigation Reform Act*

یک زندانی بر اساس این قانون ممکن نیست؛ مگر اینکه ابتدا صدمه‌ای جسمانی را به اثبات برساند. با وجود چنین مقرراتی، جبران خسارت زندانیانی که در معرض آسیب جنسی و دیگر سوءاستفاده‌های روانی از سوی کارکنان زندان قرار گرفته‌اند مورد انکار قرار می‌گیرد (Fathi, 2010, p, 1455).

مدل پذیرفته‌شده نظارت بر زندانها در نظام حقوقی ایران اصولاً مدلی درون-سیستمی و قضایی است. این موضوع را می‌توان با تحلیل مواد مرتبط با نظارت و بازرسی در آیین‌نامه‌هایی که در بحث پیش مورد بررسی قرار گرفته‌اند مشاهده نمود. مطابق ماده ۱۱ آیین‌نامه اجرایی نحوه ایجاد، اداره و نظارت بر بازداشتگاه‌های انتظامی، «مسئولان بازداشتگاه‌های انتظامی موظفند هر گونه اتفاقات و حوادث داخل بازداشتگاه را بلافاصله به مدیرکل زندان‌های استان اعلام دارند». اگرچه با وجود واژه «هرگونه» باید به لحاظ اصولی قائل به عموم اتفاقات و حوادث بود؛ اما عملی به نظر نمی‌رسد که برای مثال حوادثی را که خود مسئولان این بازداشتگاه‌ها سبب بوده‌اند نیز از سوی آنان به اطلاع مقام مذکور در ماده برسد. بنابراین آنچه از حیث عملی می‌توان از این ماده انتظار داشت؛ احتمالاً مربوط به حوادثی است که مسئولان بازداشتگاه در آن نقشی نداشته‌اند؛ مواردی چون زد و خورد بازداشت‌شدگان با یکدیگر یا نیاز پزشکی افراد بازداشت‌شده می‌تواند از جمله این موارد باشد. در ماده ۱۶ همین آیین‌نامه هم دیدیم که این «دادستان‌ها و قضات ناظر زندان» هستند که موظف به نظارت بر حوزه بازداشتگاه‌های انتظامی و عملکرد ضابطان هستند. به همین ترتیب نظارت بر تحت‌نظرگاه‌های کلانتری و پاسگاه‌ها نیز که در ماده بعدی مورد اشاره قرار گرفته است^۱، نشان‌دهنده یک نظام نظارت قضایی و درون‌سیستمی

۱. ماده ۱۷- دادستان‌ها و رؤسای حوزه‌های قضایی بخش‌ها یا نمایندگان آنان موظفند بر تحت نظرگاه‌های کلانتری‌ها و پاسگاه‌ها و نحوه و مدت نگهداری افراد و رعایت حقوق شهروندی در این اماکن نظارت نمایند.



است.^۱ بدین معنی که مقاماتی از درون خود نظام قضایی، مسؤولیت نظارت بر رفتار افراد پایین دست خود و کنترل و بازرسی از محیط کار آنها را بر عهده دارند. بند ج از ماده ۲۴ آیین نامه اجرایی سازمان زندانها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور (مصوب ۱۳۸۴/۹/۲۰) نیز، محافظت و مراقبت کامل از زندان‌ها و همچنین مراقبت در نحوه رفتار مأموران با محکومان و متهمان را از وظایف رییسان، زندان‌ها، مراکز حرفه آموزی و اشتغال، زندان‌ها، بازداشتگاه‌ها^۲، ... و سایر مؤسسه‌ها و مراکز وابسته به سازمان می‌داند.^۳ در آخرین تحولات قانونگذاری کیفری در ایران نیز، ماده ۴۸۹ قانون آیین دادرسی کیفری ایران نیز هم سو با همین مدل در مورد نظارت بر زندان‌ها بیان می‌دارد: «وظایف قاضی اجرای احکام کیفری عبارت است از: الف) ... ب) نظارت بر زندان‌ها در امور راجع به زندانیان. در واقع اراده قانونگذار در مورد مسأله نظارت بر بازداشتگاه و زندان، بازرسی از آنها و تظلم خواهی افراد بازداشت شده هیچ گاه بر آن نبوده است تا مدل نظارت خارج از نظام قضایی برای مثال از سوی جامعه مدنی و یا دیگر قوای حاکمیتی را بپذیرد.

از سویی در معدود بازرسی‌هایی که در نظام حقوقی ایران از سوی نهادهای خارج از نظام قضایی صورت گرفته می‌توان چالش‌هایی که حاکی از بی میلی ساختار حاکم بر مدیریت زندان نسبت به چنین مدلی از بازرسی است را دید. برای نمونه می‌توان به روند بازرسی نمایندگان مجلس از زندان اوین در دی ماه ۱۳۹۶ اشاره کرد. یک از

۱. ماده ۱۴ نیز مقرر می‌دارد: «رئیس سازمان (سازمان زندان‌ها) و یا نماینده اعزامی از سوی وی، معاونین و مشاورین سازمان، مدیران کل حفاظت و اطلاعات، بازرسی و فرماندهی یگان حفاظت سازمان به منظور اطمینان از حسن جریان امور باید حسب مورد و ضرورت از بازداشتگاه‌های انتظامی سراسر کشور بازدید نمایند.

۲. ایراد نگارش در این بند آشکار است و احتمالاً باید این ماده را به این صورت خواند که: «وظایف رییسان زندان‌ها، مراکز حرفه آموزی و اشتغال، بازداشتگاه‌ها ... و سایر مؤسسه‌ها و مراکز وابسته به سازمان عبارت است از»:

۳. به همین ترتیب بند ز نیز «اعمال نظارت و بررسی و کسب اطلاعات لازم از وضعیت عمومی و فردی محکومان و متهمین» را از وظایف همان افراد می‌داند.

اعضای کمیسیون حقوقی و قضایی مجلس و عضو هیأت بازدیدکنندگان^۱ در این مورد بیان می‌دارد: «نمایندگان و مسئولانی که نگران حقوق شهروندی بودند؛ برای آن‌که به شائبات پایان دهند و نگذارند تا این وضعیت موجب آشفتگی بیشتر شود درخواست کردند که به زندان‌ها بروند و از آن‌ها بازرسی کنند. این درخواست مدت‌ها بدون پاسخ ماند تا اینکه قرار شد جمعی از نمایندگان مجلس به وکالت از مجلسی‌ها به اوین بروند تا جویای وضعیت شوند. بعد از امروز و فردا شدن تاریخ بازدید قرار بود تا یک‌شنبه هفته جاری نمایندگان به اوین بروند که ناگهان اندک برقی کل کشور را برهم زد و با همان بهانه نیز بازدید به تعویق افتاد. بعد از این همه ماجرا سرانجام قرار شد تا سه‌شنبه نمایندگان به اوین بروند ولی ناگهان، خبر تغییر ترکیب بازدیدکنندگان حاشیه‌ای جدید ایجاد کرد^۲». تحلیل محتوای این گزارش نشان می‌دهد که دستگاه قضایی با بهانه‌های مختلف سعی در به تأخیر انداختن امکان بازرسی از دستگاه تحت نظر خود را دارد یا دست‌کم کوششی برای برطرف کردن موانع پیش‌روی این نوع بازرسی‌ها به کار نمی‌بندد. پر واضح است که در مورد بازرسی‌هایی که موکل به اعلام آمادگی و رضایت دستگاه قضایی یا سازمان زندان‌ها برای بازرسی از محیط‌های حبس باشد؛ امکان تغییر شرایط موجود در این محیط‌ها وجود دارد و در نتیجه آگاهی از شرایط واقعی این محیط‌ها ممکن است دست ندهد. نمونه دیگر از این دست بازدیدها مربوط به کمیته‌ای است که جهت پیگیری مسائل مربوط به بازداشت‌شدگان پس از حوادث انتخابات ریاست جمهوری در سال ۱۳۸۸، به دستور رئیس مجلس شورای اسلامی تشکیل شد. در بخشی از این گزارش^۳ آمده که «در روز چهارشنبه هشتم مردادماه جمعی از اعضای هیأت از بند ۲۰۹ زندان اوین بازدید کردند. در این بازدید امکان تماس مستقیم با زندانیان فراهم نشد و صرفاً از

۱. محمدجواد فتاحی

۲. روزنامه قانون، ۹۶/۱۱/۱۲، شماره ۱۱۳۴، کد خبر: ۹۶۱۰۱.

۳. روزنامه دنیای اقتصاد به نقل از ایسنا، شماره ۱۹۹۰، تاریخ چاپ ۱۳۸۸/۱۰/۲۱.



بندها و سلول‌ها و امکانات موجود و همچنین سلول‌های مربوط به بازجویی‌ها بازدید به عمل آمد^۱». مصاحبه یکی از نمایندگان مجلس^۲ در همان ایام، نشان از مخالفت نهادهای امنیتی و قضایی با بازدید نمایندگان از شرایط برخی بازداشتگاه‌ها و اطلاع آنها از وضعیت بازداشت‌شدگان دارد. این نماینده با اعلام این خبر که مسئولان قضایی و نظامی مانع بازدید اعضای کمیته ویژه رسیدگی به وضعیت بازداشت‌شدگان از برخی بازداشتگاه‌های رسمی شده‌اند بیان داشت: «مسئولان، مجلس را در حوادث اخیر نامحرم تلقی می‌کنند، بر اساس گفته‌های اعضای کمیته ویژه مجلس، مسئولان نه تنها در حوادث اخیر به مجلس توضیح نمی‌دهند بلکه مانع از فعالیت دقیق مجلس در رسیدگی به چند و چون حوادث پس از انتخابات می‌شوند»^۳.

نقش گروهی از افراد خارج از نظام قضایی برای آگاهی از شرایط زندان‌ها در برخی نظام‌ها مورد توجه مقامات سیاست جنایی قرار گرفته است. برای نمونه در بریتانیا، تمام زندان‌ها از هیأت‌های نظارت مستقل^۴ (IMBs) برخوردارند. هر کدام این هیأت‌ها، گروهی از افراد جامعه هستند که از سوی وزیر دادگستری برای کنترل یک زندان خاص تعیین می‌شوند. آنها از این حق قانونی برخوردارند که وارد زندان‌ها شوند و درخواست‌ها و شکایات زندانیان را دریافت کنند. این هیأت‌ها همچنین وظایف ویژه‌ای در ارتباط با زندانیانی دارند که به طور جداگانه نگهداری می‌شوند. این افراد بازدیدهایی نظارتی از تمام بخش‌های زندان به عمل می‌آورند و معمولاً به طور منظم با گردانندگان زندان ملاقات می‌کنند و در نهایت گزارش‌های سالانه خود از

۱. هر چند در ادامه گزارش می‌خوانیم: «در روز شنبه، دهم مرداد جمعی از اعضای هیات با آقای علوی قائم مقام وزارت اطلاعات جلسه داشته و پس از این جلسه با حضور مجدد در بند ۲۰۹ زندان اوین هیات با دو تن از زندانیان در خصوص وضعیت زندان، نوع تعامل مأموران و ضابطین گفت‌وگوی مفصلی نمود».

۲. مسعود پزشکیان، نماینده تبریز.

۳. فرارو به نقل از روزنامه اعتماد ملی، ۱۳۸۸/۵/۱۹.

۴. Independent Monitoring Boards.

عملکردشان و نیز ارزیابی خود در مورد زندان را منتشر می‌سازند (Owers, 2009, p. 1538). این نهاد، سازمان غیردولتی نیمه‌مستقلی است که با هدف پاسخگو کردن دولت در قبال وضعیت زندانیان ایجاد شده است. اعضای این هیأت به موجب بخش ۷۹(۲)(۳) قواعد زندان سال ۱۹۹۹، در هر ساعت از شبانه‌روز و بدون اعلان قبلی، از دسترسی نامحدودی نسبت به زندانی که به آن فرستاده شده‌اند، اعم از بخش‌های سرّی، و نیز تمامی زندانیان و گزارش‌ها، برخوردارند. هرگونه حادثه‌ای جدی شامل آتش‌سوزی، شورش و یا مرگ در زندان به سرعت به اطلاع این هیأت‌ها می‌رسد. این اعضا اختیار دسترسی خصوصی به زندانیان را دارند و آنها نیز می‌توانند درخواست دیدن اعضای هیأت را داشته باشند (Roffee, 2017, p.4).

در ایران، به عنوان یک تجربه از بازرسی‌های مستقل می‌توان به گزارش کمیته تشکیل شده از سوی مجلس شورای اسلامی پس از حوادث انتخابات سال ۱۳۸۸ اشاره کرد. در بخشی از گزارش آن کمیته آمده است که «هیأت روز سه‌شنبه هفتم مرداد به زندان اوین عزیمت کرد؛ طی دیداری پنج ساعته با همه زندانیان دستگیرشده میدانی اغتشاشات، دیدار و سخنان آنها را استماع کرد؛ در وهله نخست، هیأت به دیدار حدود ۶۰ تن از بازداشت‌شدگان منتقل‌شده از کهریزک به اوین رفت و به شکل مفصلی سخنان آنها را شنید. آنان مجموعه آزارهای انجام‌شده را به اطلاع هیأت رساندند که اهم آن آزارها عبارت بود از زندانی شدن ۱۴۷ نفر در یک مساحت کم، عدم وجود تهویه، فقدان آب و غذای مناسب، شنیدن حرف‌های رکیک، کلاغ‌پر رفتن همراه با ضرب و شتم، همجواری با اراذل و اوباش و تحقیر شدن». انتشار گزارش تشکیل این کمیته و بازرسی از زندان و آگاهی از وضعیت افراد بازداشت‌شده، خود اگرچه گامی در راستای ایجاد شفافیت محیط زندان بود اما خالی از ایراد هم نیست. برای مثال، گزارش خود اذعان می‌دارد که «کمیته در روز هفتم مرداد، دیداری پنج ساعته با همه زندانیان دستگیرشده میدانی و اغتشاشات دیدار و سخنان آنها را استماع کرد». بر فرض که در این دیدار، کمیته تمام وقت خود را به همین یک موضوع



اختصاص داده باشد^۱، به هر فرد بازداشت‌شده (با احتساب حدود ۶۰ تن از بازداشت‌شدگان منتقل‌شده از کهریزک) به طور میانگین حدود ۵ دقیقه زمان می‌رسد؛ از این رو ادعای تنظیم‌کنندگان این گزارش مبنی بر شنیدن سخنان این تعداد افراد آن هم به طور مفصل در این بازه زمانی چندان با منطق سازگار نیست.

۵. ملاقات زندانیان با بازرسان و برخورداری از حق دادخواهی

بند ۲ اصل ۲۹ از «مجموعه اصول حمایت از کلیه افرادی که تحت هرگونه بازداشت و حبس قرار دارند» بیان می‌دارد: «فرد بازداشت‌شده یا زندانی باید از این حق برخوردار باشد که آزادانه و به طور کاملاً خصوصی با کسانی که طبق بند ۱ اصل حاضر، از زندان بازدید می‌کنند ملاقات کند به شرط این که شرایط معقول برای تضمین امنیت و حسن نظم چنین مکان‌هایی رعایت شود».

این بند، در مقام شناسایی این حق برای محبوسان است که به دور از نفوذ مقامات زندان، آزادانه و به طور محرمانه با بازدیدکنندگان مستقل، ملاقات داشته باشند. تأکید بر آزادانه و محرمانه بودن ملاقات‌ها، برای پرهیز از مسائل بعدی است که ممکن است در صورت اطلاع مسئولان زندان از گفت‌وگوهای میان بازدیدکنندگان و زندانیان، برای افراد اخیر ایجاد شود. با این حال به نظر می‌رسد آخرین قید پیش-بینی شده در این بند^۲، قابلیت تفسیرهایی در راستای اعمال محدودیت برای استفاده

۱. این فرض با استناد به خود همین گزارش نادرست است چرا که گزارش بیان می‌دارد: «طی دیداری پنج ساعته ... در وهله نخست، هیأت به دیدار حدود ۶۰ تن از بازداشت‌شدگان منتقل‌شده از کهریزک به اوین رفت و ...» این بیان به لحاظ اصولی به معنای آن است که در وهله دوم و احتمالاً سوم هم کارهایی صورت پذیرفته؛ همانطور که می‌خوانیم: «پس از استماع سخنان آنان (همان حدود ۶۰ نفر) در جمع سایر بازداشت‌شدگان نیز حضور یافته و آنان نیز از روند دستگیری، بازداشت و انتقال به اوین نقطه نظرات خود را با هیأت در میان گذاشتند».

۲. «... به شرط این که شرایط معقول برای تضمین امنیت و حسن نظم چنین مکان‌هایی رعایت شود».

محبوسان از مفاد این بند را داشته باشد. به عبارت ساده‌تر مقامات زندان هر بار می‌توانند به بهانه عدم رعایت نظم و امنیت از چنین ملاقات‌هایی جلوگیری کنند.

همین موضوع در بند ۲ از قاعده ۵۶ حداقل قواعد استاندارد برای رفتار با زندانیان (موسوم به قواعد ماندلا)^۱ (ویرایش جدید سال ۲۰۱۵: مصوب مجمع عمومی سازمان ملل) مورد توجه قرار گرفته است. در این بند می‌خوانیم: «زندانی این فرصت را دارد تا با بازرس یا هر مقام بازرسی‌کننده‌ای «به طور آزادانه» و «کاملاً محرمانه»، بدون حضور مدیر زندان یا هر یک از اعضای کارکنان زندان صحبت کند». گزارش برخی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی که پس از حوادث دی‌ماه سال ۱۳۹۶ و در پی مرگ چند نفر در زندان‌های ایران برای بازرسی به زندان اوین رفته بودند، نشانگر نسبت اصول و قواعد پیش‌گفته با نظام عدالت کیفری ایران است. نایب رئیس کمیسیون حقوقی و قضایی مجلس^۲ در مصاحبه‌ای بیان داشت: «تعدد همراهان در این بازدید کج‌سلیقگی بود و بهتر بود نمایندگان امکان این را پیدا می‌کردند که با برخی از زندانیان به طور خصوصی صحبت می‌کردند. او درباره حضور چشمگیر مأموران به همراه نمایندگان در بازدید از زندان اوین، گفت: البته خیلی غیرمتعارف نبود ولی تعداد قابل توجهی بودند و بهتر بود کسی همراه ما نباشد یا تنها رئیس سازمان زندان‌ها یا رئیس زندان اوین همراه باشند. این کج‌سلیقگی بود، به هر حال ما امین مردم هستیم و لازم بود با برخی از زندانیان به طور خصوصی صحبت کنیم. البته در حد نیاز، مجالی برای گفت‌وگو پیدا شد اما بهتر بود این صحبت‌ها در فضای محدودتری انجام می‌شد. وی گفت: تعداد همراهان در این بازدید بیشتر از نمایندگان بود و این مطلوب نبود^۳. یکی دیگر از اعضای کمیسیون حقوقی و قضایی مجلس در مورد همین بازدید

۱. United Nation Standard Minimum Rules f the Treatment of Prisoners (the Nelson Mandela Rules).

۲. محمد کاظمی

۳. روزنامه قانون، پیشین.



بیان داشت: «توقع ما این بود که با همه زندانیان ملاقات داشته باشیم و از همه بندهای مختلف زندان بازدید کنیم تا امورات اداری و مختلف زندان را مورد بررسی قرار دهیم^۱». این دو مورد به خوبی نشان‌دهنده فضایی است که در آن امکان گفت-وگویی محرمانه و بدون حضور مأموران یا مقامات زندان با زندانیان فراهم نشده است. حضور مأمورانی که شمارشان از نمایندگان بازدیدکننده بیشتر است بیانگر فضای بی‌اعتمادی نسبت به هیأت بازرسی‌کننده‌ای است که نظام قضایی پس از کش-وقوس‌های فراوان با اکراه و اعمال بیشترین محدودیت به آن خواسته آنان رضایت داده است.

حق دادخواهی بازداشت‌شدگان یا زندانیان در مورد نحوه رفتار با آنها به ویژه اعمال شکنجه یا رفتارهای خشن، غیرانسانی یا تحقیرکننده در بند ۱ اصل ۳۳ مجموعه اصول حمایت از کلیه افرادی که تحت هرگونه بازداشت و حبس قرار دارند، پیش‌بینی کرده است. تنها نکته ابهام در این اصل آن است که «مقامات مسؤول اداره بازداشتگاه یا مقامات عالی‌تر»، به عنوان افرادی شناخته شده‌اند که حق دریافت شکایت‌ها را دارند. این تعارض عملی که چگونه می‌توان به واقعی بودن رسیدگی به شکایتی امید داشت که «مشتکی‌عنه» و «دریافت‌کننده شکایت» در یک مقام جمع می‌شود؛ احتمالاً با افزودن «مقامات عالی‌تر» به عنوان دریافت‌کننده شکایت قابل رفع است. در تأیید این برداشت می‌توان به قسمت اخیر همین بند اجاع داد که بیان می‌دارد: «زندانی باید حق داشته باشد تقاضا یا شکایت خود را ... در موارد ضروری به مقاماتی که از قدرت تجدیدنظر و بازبینی برخوردارند ارائه کنند».

موضوع دیگری که در همین اصل (بند ۲) مورد توجه قرار گرفته، مربوط به حق خانواده افراد بازداشت‌شده یا زندانی یا هر شخص دیگر آگاه از موضوع است که در مواقعی که امکان اعمال حق پیش‌بینی‌شده در بند ۱ برای او یا وکیلش ممکن نباشد،

۱. خبرگزاری ایسنا، ۱۱ بهمن ۱۳۹۶، کد خبر: ۹۶۱۱۱۱۰۶۶۳۸.

می‌توانند چنین حقی را اعمال کنند. به عبارتی، توجه به حقوق زندانیان از آنچنان اهمیتی برخوردار بوده است که مسأله ذی‌نفع بودن شاکی در نگاه نویسندگان این اصول مطرح نبوده است. همین موضوع در بند ۴ قاعده ۵۶ قواعد ماندلا تصریح شده است: «حقوق‌های شناخته‌شده به موجب پاراگراف‌های ۱ تا ۳ از این قاعده به مشاور حقوقی^۱ زندانی هم تسری می‌یابد. در مواردی که نه زندانی و نه مشاور حقوقی او امکان اعمال این حق‌ها را ندارد، عضوی از خانواده زندانی یا هر شخص که از موضوع آگاهی دارد می‌تواند این حق‌ها را اعمال کند»

نکته آخر آنکه بندهای ۳ و ۴ اصل ۲ به ترتیب «محرمانه بودن» تقاضا یا شکایت و «فوریت» پاسخ به آن را مورد توجه قرار داده‌اند. بند ۱ از ماده ۵۷ قواعد ماندلا لزوم فوری بودن پاسخ به شکایت زندانی را با این بیان تصریح می‌کند: «پرداختن هر تقاضا یا شکایتی باید فوری و بدون تأخیر باشد. اگر تقاضا یا شکایتی رد شد، یا در موارد تأخیر بیش از حد، شاکی حق دارد شکایت خود را نزد مقام قضایی یا دیگر مقامات مطرح کند». قسمت اخیر بند ۴ اصل ۲ از مجموعه اصول حمایت از کلیه افرادی که تحت هرگونه بازداشت و حبس قرار دارند نیز چنین سازوکاری را در صورت رد درخواست یا شکایت زندانی به صورت طرح آن نزد یک مقام قضایی یا غیرقضایی دیگر پیش‌بینی کرده است.

یکی از موضوعاتی که در خصوص شکایت زندانیان باید مراعی باشد، حفظ امنیت زندانی پس از طرح شکایت و اطمینان او از این موضوع است. در واقع یکی از موانع طرح شکایت از سوی زندانیان وقوف آنها بر قدرت انتقام جویی کارکنان است. باید برای زندانیان روشن شود که به هیچ وجه در نتیجه طرح شکایت مورد تنبیه و اذیت کارکنان قرار نخواهند گرفت و وجود رویه‌هایی برای تضمین متضرر نشدن زندانیان به سبب طرح شکایت ضروری است. در صورت لزوم زندانیان باید قادر به

۱. Legal advisor.



طرح شکایت محرمانه باشند. سرانجام فردی که از روی اراده شکایت کرده است باید بداند که به شکایت او ترتیب اثر داده شده است و کارکنان ارشد زندان باید مراقب باشند تا هیچ‌گونه اقدام تلافی‌جویانه صورت نگیرد. برای مثال در چین و برخی کشورهای دیگر دادستان‌هایی که به شکایات زندانیان رسیدگی می‌کنند از زندانیان می‌خواهند شکایات خود را در صندوق‌های خاصی بیندازند که کلیدشان تنها در اختیار آنها است (کوئل، ۱۳۸۴، ص ۱۰۵). این موضوع در قواعد ماندلا مورد شناسایی قرار گرفته است. بند ۲ قاعده ۵۷ از این قواعد می‌گوید: «ضمانت‌هایی باید برای زندانی فراهم باشد تا تضمین نماید ارائه تقاضا یا شکایت او با حفظ امنیت و در صورت درخواست شاکی به طور محرمانه خواهد بود. زندانی یا دیگر افراد اشاره شده در پاراگراف ۴ قاعده ۵۶ (خانواده، مشاور حقوقی یا هر فرد آگاه)، نباید در نتیجه ارائه تقاضا یا شکایت در معرض خطر انتقام یا تهدید یا عواقب منفی دیگری قرار بگیرد». در این بین باید سازوکاری اندیشید تا زندانی بتواند مستقیماً و بدون واسطه شکایت خود از مسئولان زندان را به مقام دریافت‌کننده شکایت ارائه کند.

اینّت و همکارانش، یکی از چالش‌های فراروی زندانیان برای طرح شکایت را مربوط به همین موضوع می‌دانند. دادخواست زندانیان باید از طریق رییس بند زندان^۱ یا جانشین زندان^۲ ارسال شود. حقیقت این است که بسیاری از دادخواست‌های ارائه شده از سوی زندانیان راجع به اقداماتی است که از سوی کارکنان زندان سر زده است. این واقعیت که رییس بند زندان یا جانشین رییس زندان می‌توانند دادخواست- (ها) را بخوانند؛ می‌تواند خطر تنبیهاتی را برای شخصی که آن (ها) تقدیم می‌کند در پی داشته باشد (Einat, 2011, p. 259).

۱. Prison Ward Director.

۲. Deputy Prison Director.

۶. نتیجه‌گیری

عدم توازن روابط قدرت در محیط حبس بین مقامات زندان و افرادی که در آن نگه داشته می‌شوند؛ احتمال سوءاستفاده از این قدرت را در بسیاری از موارد افزایش می‌دهد. با این حال از آنجا که زندان تنها «باید» سالب حق آزادی افراد باشد؛ مسؤولان آن در صورت نقض دیگر حق‌های محبوسین، (که «در عمل» زندان ناتوان از آن نیست) اصولاً باید در برابر بزه‌دیده یا خانواده او و نیز جامعه پاسخگو باشند. توجه به این حق‌ها که مستلزم پیش‌بینی و اجرای سازوکارهای نظارت و بازرسی است در سطوح ملی و فراملی مورد توجه مقامات سیاست جنایی قرار گرفته است. بدیهی است که هر چه فضای ذهنی مقامات قضایی و مدیران و کارکنان زندان در راستای تحقق اهداف مورد انتظار از کیفر حبس باشد؛ می‌توان اجرای الگوهایی از نظارت و بازرسی را انتظار داشت که شفافیت بیشتر را به دنبال دارد و برعکس، هر میزان که این افراد تمایل به ماندن در ناشناختگی و بسته گذاشتن درهای زندان داشته باشند؛ یا دست بالا برای پاسخ به افکار عمومی نظارت‌های درون سیستمی را به کار گیرند، چندان نمی‌توان به مسأله لزوم شفافیت در نحوه مدیریت زندان‌ها و برخورد با محبوسان، پاسخی در خور داد.

سازوکارهای نظارت بر محیط‌های حبس در نظام عدالت کیفری ایران بعد از انقلاب هرچند از سطح دستورالعمل‌های مقامات قضایی به سطح آیین‌نامه‌ها و قوانین توسعه پیدا کرده اما در عمل، دارای اثربخشی لازم نبوده است. به رغم گفتمان غالب مبتنی بر عدم پذیرش کنش‌گران رسمی نظام عدالت کیفری ایران در مورد وجود بازداشتگاه‌های خارج از نظارت، تحلیل محتوای گزارش‌های رسمی موجود حاکی از وجود این محیط‌های سالب آزادی دارد که موضوع نظارت بر آنها منتفی است. در کنار شناسنامه‌دار بودن تمام مراکز سالب آزادی، مسائلی چون واکنشی نبودن نظارت و بازرسی این مراکز و مستقل بودن فرد یا گروه بازدیدکننده برای تضمین یک سازوکار نظارت واقعی ضروری است. به رسمیت شناختن سازوکارهای نظارتی



خارج از سیستم قضایی و هرچه بیشتر پاسخگو نمودن مقامات اداره‌کننده زندان‌ها و بازداشتگاه‌ها می‌تواند با ایجاد شفافیت بیشتر خطر سوءاستفاده از قدرت و تعرض به حقوق محبوسان را کاهش دهد.

۷. فهرست منابع

۱-۷. فارسی

۱. راسل، برتراند، قدرت، ترجمه نجف دریابندری، چاپ پنجم، تهران، انتشارات خوارزمی، ۱۳۹۰.
۲. فوکو، میشل، مراقبت و تنبیه - تولد زندان، ترجمه نیکو سرخوش و افشین جهانپور، چاپ هشتم، تهران، نشر نی، ۱۳۸۸.
۳. دفتر کمیساریای عالی حقوق بشر سازمان ملل متحد با همکاری کانون بین-المللی وکلا، حقوق بشر در دستگاه قضایی، ترجمه سعید نوری نشاط، کابک خبیری و امین روان‌بُد، سازمان دفاع از قربانیان خشونت، جلد اول، چاپ اول، ۱۳۸۸.
۴. پرادل، ژان، گُرت کورستنز و گرت فرملن، حقوق کیفری شورای اروپا، ترجمه دکتر محمد آشوری، چاپ اول، تهران، انتشارات خرسندی، ۱۳۹۳.
۵. پل کره، ژان، دورنمای اروپایی زندان، ترجمه محمدرضا گودرزی بروجردی و لیلا مقدادی، چاپ اول، تهران، انتشارات مجد، ۱۳۸۴.
۶. کوئل، آندره، رویکرد حقوق بشری به مدیریت زندان، ترجمه حسن طفرانگار، زیر نظر: آزاده نیکنام. انجمن دفاع از حقوق زندانیان با همکاری سازمان اصلاحات جزایی بین‌المللی، ۱۳۸۴.

۷. مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی، جلسه پنجاه و پنجم، چاپ روزنامه رسمی، ۱۷ دی ۱۳۹۱.

۷-۲. انگلیسی

8. Behan, C., & Kirkham, R., Monitoring, Inspection and Complaints Adjudication in Prison: The Limits of Prison Accountability Frameworks. *The Howard Journal of Crime and Justice*, 55(4), 2016.
9. Deitch, M., Distinguishing the various functions of effective prison oversight. *Pace L. Rev.*, 30, 1438-1445, 2009.
10. Deitch, M. (). The need for independent prison oversight in a post-PLRA world. *Federal Sentencing Reporter*, 24(4), 2012.
11. Einat, T., Litvin, A., Michaeli, N., Zelikovitsh, G., Marsh, K., & Parchev, O., Letting the fox guard the chicken coop: oversight, transparency, and violation of human rights in the Israeli Penal System. *Criminal Justice Studies*, 24(3), 2011.
12. Fathi, D. C., The Challenge of Prison Oversight. *Am. Crim. L. Rev.*, 47, 2010.
13. Martynowicz, A. (). Oversight of prison conditions and investigations of deaths in custody: international human rights standards and the practice in Ireland. *The Prison Journal*, 91(1), 2011.
14. Owers, A., Prison inspection and the protection of prisoner's Right. *Pace L. Rev.*, 3, 2009.
15. Roffee, J. A., Accountability and Oversight of State Functions: Use of Volunteers to Monitor Equality and Diversity in Prisons in England and Wales. *SAGE Open*, 7(1), 2158244017690792, 2017.
16. Stojkovic, S., Prison oversight and prison leadership. *Pace L. Rev.*, 30, 2009.
17. Zinger, I. (). Human rights compliance and the role of external prison oversight. *Canadian Journal of Criminology and Criminal Justice*, 48(2), 2006.

۷-۳. سایت‌ها و روزنامه‌ها

1. <https://isna.ir/>
2. <http://www.iran-newspaper.com/>



3. <http://www.asriran.com/>
4. <https://www.ilnanews.com/>
5. <http://fararu.com/>
6. www.ghanoondaily.ir/
7. <http://donya-e-eqtesad.com/>
8. <http://rc.majlis.ir/>